

سری سوال: یک

زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۴۵ تشریحی: ۵۰

تعداد سوالات: تستی: ۲۵ تشریحی: ۷

عنوان درس: متون نظم دوره های اسلامی اموی

رشته تحصیلی/کد درس: زبان و ادبیات عربی ۱۳۳۰۱۰۳

### سوالات تشریحی

- ۱- ۱۰۰ نمره  
 يقول الشاعر مخاطباً النبي (ص): لا تستبح دمي بسبب أقوال الوشاة الساعين بيني و بينك بالإفساد و الكذب و البهتان؛ لأني بالرغم مما يقال في من الأقوال الكثيرة ولكن لم ارتكب ذنباً و لا جريرةً.  
 "الوشاة" في هذا البيت هو جمع "الواشي" و الواشي هو من يسعى أن يفسد بين الناس لا تأخذتني يعني لا تعاقبني.  
 (شاعر می گوید: ای رسول خدا (ص)! به سبب آنچه که سخن چینان درباره من می گویند و قصد دارند من را نزد تو به بد جلوه دهند، من را مجازات مکن؛ چرا که گناهی نکرده ام، هرچند که سخنان فراوانی درباره من گفته شده است.)
- ۲- ۱۰۰ نمره  
 نَبِيٌّ أَتَانَا بَعْدَ يَأْسٍ وَ فِتْرَةٍ  
 مِنَ الرُّسُلِ وَ الْأَوْثَانِ فِي الْأَرْضِ تَعْبُدُ
- ۳- ۱۰۰ نمره  
 بانت: فارقت فراقاً بعيداً (بسیار دور شد و از من جدا شد)  
 متبول: اسم مفعول من تبل الحب فلاناً تبالاً: أسقمه و ذهب بعقله (اسم مفعول است و به معنای کسی است که بیمار شده و عقلش زایل گشته است)  
 متيم: مدلل و مستعبد (کسی که شیدا و عاشق کسی شده است)  
 مكبول: مقيد (در بند و اسیر)
- ۴- ۱۰۰ نمره  
 الف) كل شيء قدره الله سبحانه فهو لا يمكن الفرار منه و للإنسان أن يؤمن بقدر الله تعالى خيره أو شره (هر چیزی که در تقدیر خداوند سبحان باشد بدون تردید اتفاق خواهد افتاد و نمی توان از آن گریخت انسان باید به قضا و قدر الهی خواه خیر باشد و خواهد شرّ، ایمان بیاورد.)  
 ب) كل إنسان صائرٌ إلى الموت مهما يكن عمره طال أو قصر (هر انسانی هر اندازه عمرش طولانی و یا کوتاه باشد، اما سرانجام سرنوشتش به سوی مرگ رقم خواهد خورد.)
- ۵- ۱۰۰ نمره  
 هُمُ الْأَسَدُ عِنْدَ الْبَأْسِ وَ الْحَشْدُ فِي الْقَرَى  
 وَ هُمْ عِنْدَ عَقْدِ الْجَارِ يُوفُونَ بِالذَّمِّ  
 يمدح الشاعر الممدوحين و يقول: إنهم كانوا كالأسد شجاعاً في الحرب، و يكرمون الضيف و يقومون بأمره، و يوفون بعهدهم عندما يعقدونه مع جارهم.  
 (شاعر در مدح ممدوحان خود می گوید: آنها در جنگ و مبارزه، همچون شیران شجاع و دلیر هستند؛ و مهمان را گرامی داشته و او را اکرام می کنند؛ و به هنگام بستن پیمان با همسایه، به آن وفادارند.)
- ۶- ۱۰۰ نمره  
 حِقَب: جمع حِقْبَة  
 الأرواح: جمع الريح  
 الهطَل: جمع الهاطل  
 السُّحْم: جمع الأسحم
- ۷- ۱۰۰ نمره  
 يقول: إن الثراء لا ينسيني واجبي من العفة و الحياء، و إن صروف الدهر و نوازله لا تقعد بي عن أداء الواجب من القرى و العطاء.  
 (مال و ثروت من را از حياء و آبرو غافل نمی سازد و مصائب و حوادث روزگار نیز من را از بخشش به دیگران و مهمان نوازی باز نمی دارد.)